

نگاهی به مقام مولانا در ادب حروفیه

دکتر سعادت شیخی‌اوا

انستیتوی شرق‌شناسی علوم آکادمی ملی آذربایجان

مقدمه

در این مقاله نخستین بار نقش مولانا در ادبیات حروفیه و تأثیر آرای او در شاعران حروفیه مورد بررسی قرار گرفته است. تأثیرپذیری‌های حروفیان از مولانا چند جنبه دارد:

- از منابع حروفیه معلوم می‌شود که فضل‌الله قبل از آغاز تعلیم حروفیه تحت تأثیر یک بیت مولانا در تصوف به سیر و سلوک پرداخته است.
- در دیوان شعر هم فضل‌الله از مولانا بهره گرفته است.
- بعضی از پیروان فضل‌الله از آن جمله علی‌الاعلی، غیبی، جاویدی، به‌ویژه سید عمادالدین نسیمی از مولانا تأثیر گرفته‌اند. تأثیر مولانا هم در رساله‌ها، هم در دیوان‌های ترکی و فارسی حروفیه دیده می‌شود.
- نسیمی تعبیرات عرفانی بسیاری از شعر مولانا آموخته و به‌کار برده است. در بعضی موارد عمق و گستردگی تفکر عرفانی نسیمی از تسلط او بر مثنوی معنوی و دیوان کبیر مولانا نشئت گرفته و معانی و مضامین مثنوی به شکل‌های مختلف در دیوان‌های ترکی و فارسی وی آمده است.

- پیروان مولانا و شاعران مولویه هم از حروفیه سودمند شده‌اند. فقط این روابط ادبی فرقه‌های مذکور توسط اندیشه‌های مرکب فضل‌الله صورت نگرفته است، شاعران ترکی از مولویه فقط از شعر نسیمی تعبیرات و اصطلاحات حروفیه را اقتباس کرده‌اند.

حروفیه که یکی از طریقت‌های اسلامی بود از لحاظ عقیده فلسفی خود سیمای خاصی داشت. اکثر آرای فلسفی بنیان‌گذار و اولین مرشد این فرقه، فضل‌الله نسیمی، به اندیشه‌های ابن‌عربی نزدیک بود و بعضی از پژوهشگران به آن معتقدند که حروفیه، به‌ویژه تفکر فلسفی فضل‌الله از ابن‌عربی تأثیر پذیرفته است. به عقیده گولپینارلی دانشمند عرفان و حروفیه به‌ویژه نظریه‌های ابن‌عربی به علم و فلسفه را ترجیح داده‌اند. با وجود آنکه این دو نظریه متمایزند، تأثیر هر دو را می‌توان در آثار فضل‌الله و پیروانش دید. اما ما اعتقاد داریم که تأثیر ابن‌عربی در بینش فلسفی و نظری حروفیه دیده می‌شود و تأثیر مولانا فقط در ادب حروفیه بیشتر مشاهده می‌شود و این شاعر عارف در این رشته مرتبه بالایی دارد. تأثیر ابن‌عربی را می‌توان در آثار مرشد (فضل‌الله) و بعضی از خلفای او (نسیمی) دید، تأثیر مولانا حد و حصر ندارد. ارتباط ادبی از مرشد شروع می‌شود و در شعر خلفا و مریدانش ادامه دارد. ما اینجا درباره تأثیر مولانا بر شاعران حروفیه صحبت خواهیم کرد.

از «خوابنامه» سید اسحاق استرآبادی که یکی از خلفای فضل‌الله بود معلوم می‌شود که مرشد حروفیه در جوانی بعد از شنیدن یک بیت مولانا در تصوف به سیر و سلوک پرداخته است. سید اسحاق به استناد به خود فضل‌الله نقل می‌کند که روزی درویشی این بیت را از مولانا می‌خواند:

از مرگ چه اندیشی چون ذات بقا داری در گور کجا گنجی چون نور خدا داری

(گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۸۶)

پس معلوم می‌شود که سیر و سلوک فضل‌الله در تصوف از آثار و اندیشه عرفانی مولانا شروع شده بود. بعدها فضل‌الله تعدادی شعر هو نوشت که در تأثیرپذیری آنها از شعر مولوی شکی نیست. حتی یدالله جلالی پنداری در استناد به پژوهش شفیعی کدکنی درباره یکی از غزل‌های نسیمی که به اشتباه از غزل‌های مولانا شمرده شده است بحث می‌کند. به عقیده یدالله جلالی پنداری بعضی از غزل‌های فضل‌الله از لحاظ صنایع بدیعی چندان مرتبه عالی دارند که



باعث این اشتباه شده است. بدون تردید می‌توان گفت که تأثیر مولانا در شکل‌گیری شاعری فضل‌الله آنی و موقتی نبوده است و او وقتی که شعر خود را تکمیل تر کرده بود هم از مولانا بهره گرفته بود. این احتمال وجود دارد که این تأثیر بعد از اعلام تعالیم حروفیه کم شده و فضل‌الله به عقاید فلسفی ابن‌عربی متمایل شده است. برای اثبات این احتمال می‌توان به این شواهد تکیه کرد که بسیاری از غزل‌های وی که به سنت ادب عرفانی وابسته است و اشعاری که بیانگر ارادت او به مولانا است درباره اعتقاد حروفیه هیچ مطلبی عنوان نمی‌کند.

در این دیوان کوچک نعیمی غزلی نیز وجود دارد که آن را پیروی در شعر مولانا سروده است. مولانا:

آن زمانی که چشم از چشم او مخمور بود چون رسیدش چشم بد کز چشم‌ها مستور بود
نعیمی:

چون چشم تو امروز بتا مستم و مخمور وز چشم تو چون چشم تو بیمارم و رنجور
بدین علت می‌توان گفت که نه تنها اندیشه فلسفی فضل‌الله نعیمی، بلکه آفرینش ادبی او هم از مولانا تأثیر یافته است. این غزل فوق مولانا را یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های آذربایجان سید عمادالدین نسیمی هم پسندیده و در وزن، قافیه و ردیف شعر مولانا به ترکی غزل سروده است. نسیمی:

دون‌گه‌جه بیر دلبر ایله عیشیمیز معمور ایدی

لیکن اول خونخواره گوزلر اویخوده‌ن مخمور ایدی

به عقیده اسماعیل حکمت، نسیمی در این شعر بزم عارفانی را توصیف می‌کند که با شرکت فضل‌الله تشکیل شده بود.

نعیمی از ترکیبات خاص مولانا هم استفاده کرده است. ترجیع‌بند او با بیت ذیل آغاز می‌شود:

داریم نشان بی‌نشانی دانیم زبان بی‌زبانی

این شعر عاری از اندیشه‌های حروفیه و از لحاظ محتوا به اشعار عرفانی مربوط است. (این شعر در بعضی نسخه‌های خطی دیوان نسیمی هم جا دارد).

روابط مولانا و فضل‌الله به اینها محدود نمی‌شود. سید اسحاق در «ترابنامه» خود مدعی است که حضرت مولانا ابیات زیر را برای فضل‌الله سروده است:

گفتم که آنچه از آسمان چشم بدیدم در زمین ناگاه فضل ایزدی شد چاره بیچاره‌ها
بر سر بازار می‌جستم تو را در بن بازار چونت یافتم

در اولین بیت واژه «فضل» به «فضل‌الله» معطوف می‌شود، در بیت دوم به این واژه بر نمی‌خوریم و در نظر اول منظور سید اسحاق معلوم نیست. اما این بیت مولانا را با روایتی که قبل از خود سید اسحاق آمد مقایسه می‌کنیم و نتیجه اینکه از آنچه فضل در بازار شعر مولانا شنید به سیر و سلوک پرداخت. بدین سبب خلیفه فضل آخرین نمونه از اشعار مولانا را هم از ابیاتی که به عقیده‌اش درباره فضل‌الله گفته، شمرده است.

از این ابیات معلوم می‌شود که سید اسحاق مطابق تعالیم حروفیه در آثار مولانا در جستجوی پیش‌بینی‌های این صوفی است و بنابراین می‌توان گفت که حروفیان به توانایی مولانا در کرامت هم باور داشتند.

نه تنها خود فضل‌الله متأثر از مولانا است، بلکه عقایدش مورد توجه بسیاری از پیروان فضل‌الله، از جمله سید عمادالدین نسیمی قرار گرفته است. ما اینجا درباره نسیمی که بیش از دیگر حروفیان از مولانا بهره‌مند شده است مفصل‌تر بحث خواهیم کرد. سهم اندیشه‌های عرفانی مولانا در ادب حروفیه در بیشتر موارد به‌طور کلی تحقیق و بررسی شده، اما تا به حال مسئله عقاید و اشعار مولانا از دیدگاه نسیمی تحقیق نشده است. او خود در شعر فارسی از مولانا به‌صورت تضمین اقتباس می‌آورد. ذکر این مطلب در اینجا مناسب است که نسیمی در دیوان ترکی و فارسی خود چند بار از مولانا نام می‌برد. بیت ذیل هم شاهدی بر این مدعاست:

تا به دور چشم مست یار بفروشد به می بر در میخانه مولانا کتاب آورده است

نسیمی وقتی که نسبت روح و تن، ذات و صفات، انسان و عالم، خلق و خالق و غیره را مورد بحث قرار می‌دهد بیشتر از «جاودان‌نامه» فضل‌الله نسیمی به اعتقاد و آرای مولانا استناد می‌کند.



پیداست که حروفیه و تصوف دربارهٔ جلوه‌های خداوند در عالم خلقت، مراحل آفرینش هستی و جهان و غیره تا حدی نظریه‌های متفاوت ابراز می‌کنند. شواهد فراوانی در دیوان‌های نسیمی به چشم می‌خورد و نشان می‌دهد که ایده‌هایش دربارهٔ این مسائل در بیشتر موارد به اندیشه‌های مولانا نزدیک است. بدون مبالغه می‌توان گفت که تفکر و روحیهٔ صوفیانهٔ نسیمی از اندیشه‌های عرفانی مولانا شکل گرفته است. نسیمی از چند غزل دیوان کبیر مولانا، از جمله غزل‌هایی که با ردیف‌های «بود»، «دارم»، «می‌کنی»، «مست»، «گنجد» و غیره استقبال کرده است و این نظریه‌گویی وی هم در دیوان ترکی، هم در دیوان فارسی‌اش وجود دارد. بعضی از اشعار ترکی نسیمی که در جواب مولانا سروده است تا حدودی جنبهٔ حروفیه دارند و این ویژگی نشان می‌دهد که نسیمی بعد از آنکه به طریقت حروفیه وارد شد هم ارتباط روحی خود را با مولانا قطع نکرده است.

نسیمی نه تنها از اندیشه‌ها و نظریه‌های مولانا بهره گرفته، بلکه از صنایع بدیعی هم استفاده کرده است. او واژه‌سازی خود را پسندید و از گنجینهٔ لغت استاد خود، از جمله از استعاره و رمزها و ترکیبات عرفانی گوناگون وی هم بهره گرفته و به کار برده است. به‌ویژه در شعر نسیمی مقام انسان و اولیا نزد خداوند، محتوای تعبیر عرفانی «انا الحق» هم از دیدگاه مولانا توضیح داده شده است. نسیمی حتی در بعضی اشعار خود هم با تغییر قافیه و ردیف و وزن همان مضمون آثار مولانا را به کار برده است.

توجه به این نکته ضروری است که مولانا به کلمهٔ بشری و صوت و حروف که صورت این صوت باشند چندان اهمیت نمی‌دهد. برعکس نسیمی، کلمه را از عالم غیبت می‌شمارد و در این نقطه همانند فضل‌الله عمل می‌کند. شاعر در بعضی موارد همچون مرشدش راز خلقت جهان و انسان، ارتباط مخلوقات دیگر در این عالم را در اسرار حروف می‌جوید و این مسائل را از دیدگاه فضل‌الله شرح می‌دهد.

در شعر نسیمی معنی اصطلاحات نیستی و هستی، صفت‌های جمال و جلال، تعبیر آیین و غیره چندان متفاوت نیستند. اما نسبت به حرف و صوت جایگاه مولانا و نسیمی متمایز است.



جایگاه بینش ادبی و فلسفی مولانا در خلاقیت نسیمی چندان ثابت نیست و می‌توان در غزل که با ردیف «نیلیم مولانه یی» («چه کنم مولانا را»، «نیاز ندارم به مولانا») سروده است این ویژگی را دید. از نظیره‌های نسیمی که در استقبال مولانا سروده است و منظورش را به‌طور شفاف ابراز می‌کند روشن می‌شود که او در بعضی موارد صنعتگری خود و در بعضی اوقات مقام خود را در سیر و سلوک با استادش مقایسه می‌کند و خود را واقف به اسرار مولانا و ابن‌عربی می‌شمارد. نسیمی در بیت ترکی ذیل می‌گوید:

مه ندهن ایشیدرسهن شیخی هم مولانه‌یی

باید متذکر شویم که نسیمی متفاوت با نعیمی که یک غزل در استقبال مولانا نوشته است، چند غزل در جواب مولانا سروده است. برای مثال به ابیات زیر توجه کنید. مولانا:

ای خواجه سلام علیک من عزم سفر دارم وز بام فلک پنهان من راه گذر دارم

نسیمی:

من آن گنجم که در باطن هزاران گنج زر دارم من آن بحرم که در دامن به دریاها گهر دارم

مولانا:

می‌کنی ما را حسود هم‌دیگر جنگ ما را خوش تماشا می‌کنی

نسیمی:

کرده‌ای آینه ما را و در او صورت خود را تماشا می‌کنی

نسیمی به‌عنوان تلمیح و یادآوری از حکایات مثنوی هم اشعاری سروده است. یکی از اینها اولین حکایت از مولانا «شاه و کنیزک» است و این مسئله به‌طور کلی در شرح کورکچی اوغلی به دیوان ترکی نسیمی آمده است. آن مفاهیم عرفانی که در شعر مولانا به‌صورت حکایت نقل شده است، در یک یا چند بیت نسیمی بیان می‌شود و این ابیات جنبه‌ایهام دارند. مولانا در اولین بیان مثنوی معنوی می‌گوید:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند

نسیمی:

یه نه نی فغانه گلدی، جگری دوتوشدو، یاندی

نه یه اوغرادى، نه کوردی بو تهی میان ایچینه

کمال ادیب کورکچی اوغلی معتقد است که این بیت را نسیمی در استقبال اولین بیت مولانا گفته است.

در شعر فارسی نسیمی هم تأثیر مثنوی معنوی مولوی را می‌توان دید. وی ابیاتی هم مانند این بیت تحت تأثیر آغازین ابیات نوشته است. مولانا ابیات اسرارآمیز مثنوی را اینچنین بیان می‌کند:

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

نسیمی:

سینه از تیغ فراق چون دل نی شرحه شد از دم عیسی دمی اکنون دمی می‌بایدم

با استناد به شواهد فراوانی که در آثار نسیمی وجود دارند می‌توان گفت که در شعر عرفانی مولانا استاد وی بوده و بیشتر توضیح‌های تعبیرات عرفانی را از شعر مولانا آموخته و به‌کار برده است. با این همه می‌توان گفت که مراجعه نسیمی به آثار مولانا به‌صورت تقلید نبوده است و شعر دل‌انگیز و صمیمی نسیمی سیمای خاصی را حفظ کرده است.

تأثیرپذیری نسیمی از مولانا چند جنبه دارد: ۱. برداشت مفهومی از تفکرات مولانا با توجه به اندیشه‌های خاص عرفانی او؛ ۲. نظیره‌سازی در وزن و قافیه و ردیف شعر او؛ ۳. هر دو ویژگی با هم به‌کار می‌رود (هم از لحاظ لفظی، هم از لحاظ معنوی)، یعنی نسیمی هم از ساختار، هم از ایده‌های مولانا بهره گرفته است. نسبت شعر مولانا و نسیمی را می‌توان با تأثیرپذیری حافظ از عطار مقایسه کرد. شعر عطار و مولانا بیشتر رنگ فلسفی دارد، فقط شعر حافظ و نسیمی با بیان محتوای عمیق عرفانی از لحاظ ادبی مرتبه عالی دارند:

۱. شاعر از دیوان، به‌ویژه از غزلیات مولانا متأثر شده است؛

۲. او تحت تأثیر تعدادی از ابیات مثنوی مولانا، اشعاری سروده است؛

۳. نسیمی مانند دیوان کبیر و مثنوی مولانا از نثر فلسفی، یعنی از «فیه مافیه» هم سودمند شد و برخی از مفاهیم و اصطلاحات خود را براساس این تألیف آفریده است. به عقیده رضا توفیق در بیت ذیل که در قیامت‌نامه علی الاعلی اولین خلیفه فضل‌الله آمده است هم می‌توان تأثیر مولانا را یافت:

محسوس چو به ذات حق علی بود از ذات مقام خویش بنمود

(نک: توفیق، رضا، پژوهشی در اندیشه‌های حروفیه، زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی، به کوشش یدالله جلالی پنداری، تهران، ۱۹۹۳، ۸۵).

ابیاتی که با این بیت فوق بسیار شباهت دارند نیز در میان رباعیات نسیمی می‌توان یافت. این بیت علی الاعلی هم به‌عنوان پل ادبی و فلسفی بین اشعار مولانا و نسیمی است. در پژوهش‌ها ذکر می‌شود که غیبی شاعر ترکی از حروفیه هم از مکتب مولانا تبعیت کرده است. تجلی تأثیر مولانا در حروفیه جنبه‌های مختلف دارد:

۱. در اندیشه‌های فلسفی؛

۲. در ساختار شعر، یعنی در تکنیک شعر: ردیف و قافیه، ایده (این ویژگی را می‌توان در نظریه‌های گوناگون دید)؛

۳. در اعتقاد کرامت و پیش‌بینی او.

باید متذکر شد که چنانچه مرشد و پیروان حروفیه از مولانا تأثیر پذیرفته بودند پیروان مولانا و شاعران مولویه هم از حروفیه بهره گرفته‌اند. روابط ادبی طریقت‌های مذکور فقط توسط اندیشه‌های مرکب فضل‌الله صورت نگرفته است و شاعران ترکی مولویه فقط از شعر نسیمی تعبیرات و اصطلاحات حروفیه را اقتباس کرده‌اند.

گولپینارلی مدعی است که حروفیه در میان مولویه نیز نفوذ کرد و قسمتی از اعتقادات و اندیشه‌های خود را وارد این طریقت نمود. مولویان مجذوب تأویلات باطنی حروفیه شدند و از استوا، ۲۸ و ۳۲ حرف صحبت می‌کردند، ولی هرگز فضل‌الله را به‌جای جلال‌الدین مولوی نشانیدند. به عقیده دانشمند معروف جاویدان‌نامه فضل‌الله حتی در بین مولویان خواندگانی داشته است. با تردیدی که یعقوب آژاند درباره آخرین نظریه گولپینارلی بیان کرد موافقیم. چنانچه زبان و



سبک جاویدان‌نامه فضل‌الله بسیار دشوار است و از عناصر، واژه‌ها و ترکیبات زبان‌های عربی، فارسی و گلی آمیخته است و اینجا تعبیرات و سمل‌های مرکب خاص حروفیه هم فراوان به چشم می‌خورد، بدون تعلیم، آموختن و فهمیدن این کتاب بسیار مشکل است. فقط برای اثبات نظریه گولپینارلی که درباره نفوذ حروفیه در میان مولویه بیان شده کافی است به صفحات تذکره سینان پاشا مراجعه کرد. در این تذکره علاوه بر یوسف سینه‌چاک و دیوانه محمد چلبی که گولپینارلی از آنها نام می‌برد، در شعر درویش اسرار ده ده، محمد بیررمی، صایدا ده ده، عادل افندی، وفائی ده ده که از شاعران مولویه بودند می‌توان اثر حروفیه را مشاهده کرد. مبنی بر این تذکره الخان گنج این تأثیر حروفیه را در مولویه عنصر زینت و فانتزی می‌شمارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. کمال‌الدین حسین بن حسن کاشانی خوارزمی کیروی (۵۱۹):

زهی به وعده وصل تو جان ما مسرور بیا چشم بد از تو همیشه بادا دور
دوش چشم جانم از دیدار شه پر نور بود مطرب ما زهره و ساقی مجلس حور بود

به این غزل‌ها در دیوانی که به نام حلاج منصور منتشر شده است می‌خوریم. به اعتقاد سعید نفیسی این دیوان از حلاج منصور نیست و تماماً از کمال‌الدین حسین بن حسن کاشانی خوارزمی کیروی از عرفای قرن نهم هجری قمری است.

منابع

- آژند، یعقوب، حروفیه در تاریخ، دیوان نعیمی، تهران، ۱۳۶۹.
- آفساخزاد، اعلاخان، لیریکا عبدالرحمان جامی، مسکو، ۱۹۹۸.
- البلخی الرومی، جلال‌الدین مولوی، محمد بن محمد بن الحسین، مثنوی معنوی (دوره کامل)، به کوشش و اهتمام رینولد الین نکلسون، ۱۳۷۶.
- توفیق، رضا، پژوهشی در اندیشه‌های حروفیه، زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی، به کوشش یدالله جلالی پنداری، تهران، ۱۹۹۳.
- حکمت، اسماعیل، آذربایجان ادبیات تاریخی، ۲ ج، جلد ۱، باکو، ۱۹۲۸.
- ده ده، اسرار، تذکره شعرای مولویه، آنکارا، ۲۰۰۰.
- دیوان منصور حلاج، انتشارات سنایی، ۱۳۷۵.
- زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی، به کوشش یدالله جلالی پنداری، تهران، ۱۳۷۲.
- سجادی، سید ضیاءالدین، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران، ۱۳۷۲؛ استامبول، ۱۹۶۷؛ حلمی ضیا اولکن، اسلام فلسفه‌سی، قاین‌قلاور و تأثیر لری ...، ۱۷.



- شیخی او، سعادت، نسیمی‌نین سلفعلری ایله مباحثه‌لری، ج ۳، مولانا و نسیمی، علمی آراشدیر مالار، ج ۱-۲، (۳) بوراخیلش، باکو، ۲۰۰۲، ص ۶۰-۵۱.
- کورکچی اوغلی، کمال ادیب، سید نسیمی دیوانیندان سئچمه‌لر، آنکارا، ۱۹۸۵.
- گولپینارلی، عبدالباقی، فهرست متون حروفیه، تهران، ۱۳۷۴.
- _____، شرح‌لر، مولانا، مثنوی، ج ۱، استامبول، ۱۹۹۰.
- _____، نسیمی-عصولی-روحی، استامبول، ۱۹۵۳.
- مولانا جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی، کلیات دیوان شمس، تهران، ۱۳۷۶.
- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۱، ۱۳۴۴.